

پیامبری صبور و مهربان

حضرت ایوب(ع) مردی خوش سیما، خوش خو، پرهیزگار، نیکوکار، مهربان و بخشنده بود. خداوند او را به پیامبری برگزید. وی مردم را به سوی خداوند فرا خواند، ولی بیش از چند نفر به او ایمان نیاوردند.



حضرت ایوب(ع) مردی خوش سیما، خوش خو، پرهیزگار، نیکوکار، مهربان و بخشنده بود. خداوند او را به پیامبری برگزید. وی مردم را به سوی خداوند فرا خواند، ولی بیش از چند نفر به او ایمان نیاوردند. حضرت ایوب(ع) مردی از روم بود. او پسر اموس یا افرص، پسر دارح، پسر روم، پسر عیص، پسر اسحاق، پسر ابراهیم (ع) بود. او از نوادگان حضرت اسحق(ع) و نوه حضرت ابراهیم(ع) است. مادرش دختر حضرت لوط(ع) بود. همسرش "رحیمه" دختر افرایم فرزند حضرت یوسف(ع) بود. حضرت ایوب(ع) صاحب چندین سر زمین از بلاد شام بود و نیز صاحب انواع گله از قبیل شتر و گاو و اسب و گوسفند و بود. او فردی نیکوکار و متقی و مهربان بود. همواره از شیطان و وسوسه های او پرهیز می کرد.

به حضرت ایوب(ع) فقط 3 نفر ایمان آوردند: فردی از اهل یمن به نام(یفن) و دو مرد از سر زمین خودش به نام (بلاد) و (صافن).

حضرت ایوب(ع) و شیطان

حضرت ایوب(ع) دارایی بسیار و فرزندان زیادی داشت. شیطان بر سپاس گزاری او رشک و حسد برد. شکر گزاری آن حضرت(ع) را نتیجه رفاه و نعمت زیاد خدا بر او قلم داد می کرد. شیطان می گفت؛ سپاس گزاری ایوب(ع) به دلیل سلامتی و دارایی فراوان اوست. خداوند نخست ایوب(ع) را به از دست دادن اموال و آن گاه به مصیبت های جسمی و بیماری گوناگون آزمود، ولی ایوب(ع) هم چنان صابر، شکیب و سپاس گزار ماند. در باره چگونگی و مصائب حضرت ایوب(ع) سخن های ناروا و افسانه های زیادی گفته اند که از ساحت قدس آن پیامبر الهی بسیار دور است.

نا امیدی شیطان

شیطان وقتی از فریفتن ایوب(ع) ناامید شد، بر آن شد تا همسر ایوب را همانند حواء بفریبد تا از این راه بر حضرت ایوب(ع) دست یابد. پس از این ماجرا بود که حضرت ایوب(ع) با دلی سرشار از عشق و شور معنوی، پروردگار خود را خواند و گفت:

171#; ... خدایا به سختی و رنج گرفتار آمدم. جز تو فریادرسی ندارم. خداوند دعای ایوب(ع) را پذیرفت. بیماری هایش را درمان بخشید. آن چه را از دست داده بود به وی بازگردانید.

حضرت ایوب(ع) کشاورز و دامپروری نمونه

حضرت ایوب(ع) با پرداختن به کشاورزی و دامپروری، ثروت زیادی به دست آورد. زندگی اش سرشار از نعمت های الهی گردید. او همواره شکر گزار خدا بود. ابلیس به او حسد برد. به خدا عرض کرد؛ اگر ایوب این همه شکر می کند، به خاطر نعمت هایی است که بر او ارزانی داشته ای. مرا بر او مسلط کن، تا معلوم شود که مطلب همین است یا نه!

خداوند برای این که زندگی حضرت ایوب(ع) سندی برای رهروان حق گردد، ابلیس اجازه یافت. ابلیس پس از آن، دام ها، باغ ها، زراعت ها، اموال، خانه و فرزندان ایوب(ع) را نابود کرد. او چند همسر داشت، همه ی آن ها یکی پس از دیگری بر اثر بی صبری، او را تنها گذاشته و رفتند، تنها یکی از همسرانش به نام "رحمه" ماند. حضرت ایوب(ع) در برابر تمام این حوادث بسیار ناخوشایند،

سنگین و پر رنج، استقامت نمود و هم چنان به شکر الهی ادامه داد. خداوند در برابر آن حوادث دشوار بر درجات مقام شکر حضرت ایوب(ع) می افزود.

راز و نیاز حضرت ایوب(ع)

در برابر این حوادث رنج آور حضرت ایوب(ع) سر بر سجده نهاد. چنین با خدا راز و نیاز کرد: ... پروردگارا، تو به من نعمت دادی، از من باز پس گرفتی، ای آفریننده ی شب و روز، برهنه به دنیا آمدم، برهنه به سوی تو می آیم، بنا بر این هر چه برای من بخواهی، خشنودم.

پس از آن همه گرفتاری، حضرت ایوب(ع) این بار به پا درد شدیدی مبتلا شد. ساق پایش زخم گردید. دیگر قدرت حرکت نداشت. 17 سال با این وضع گذراند، ولی هم چنان مثل کوهی استوار، به شکر گذاری ادامه داد. او نه در نهان و نه آشکار، نه در دل و نه در زبان و عمل، هرگز اظهار کوچک ترین نارضایتی نکرد. همه ی همسر آن حضرت(ع)، او را تنها گذاشتند و رفتند. تنها همسرش هم کاسه ی صبرش پس از مدتی لب ریز شد. او هم ایوب را تنها گذاشت. حضرت ایوب(ع) تنها شد. در بیابان با آن همه بلا و درد، هم چنان صبر و استقامت و شکر می نمود. زمانی رسید که در کنار خود هیچ گونه غذا و آب ندید. بسیار گرسنه و تشنه شده بود. به سجده افتاد. با کمال ادب به خدا گفت: ... پروردگارا، بد حالی و مشکلات به من روی آورده است. تو مهربان ترین مهربانان هستی.*

* انبیاء / 84؛ رَبِّ اِنِّی الضَّرُّوْ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِیْنَ.

مستجات شدن دعای حضرت ایوب(ع)

دعای حضرت ایوب(ع) به استجابت رسید. بلا ها رفع شد. نعمت های الهی، جای گزین بلاها گردید. با استقامت و شکر حضرت ایوب(ع) آب رفته به جوی خود بازگشت. بر اثر صبر، چهره ی درخشان ظفر نمایان گردید. آری!... این است نتیجه ی درخشان صبر و استقامت که پایه ی شکر و وصول به مقام رضاست.